

# با اصغر کریمی: ایران در سال ۱۴۰۰

۱۷ مارس ۲۰۲۲ - مندرج در انترناسیونال ۹۴۶  
متن پیاده شده برنامه گفتگو از تلویزیون کانال جدید

**سیما بهاری:** سال گذشته در صحنه سیاست ایران چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح داخلی اتفاقات مهمی افتاد. جمهوری اسلامی در چندین دادگاه در کشورهای مختلف محکوم شد. محاکمه حمید نوری در سوئد آغاز شد. روسیه به اوکراین حمله نظامی کرد و طالبان به افغانستان بازگردانده شد. در سطح داخلی، رژیم با جنبش پر قدرت معلمان و اعتصابات و اعتراضات وسیع کارگران روبرو بود و اعتراضات مختلف اجتماعی در سطح جامعه، صحنه سیاست در ایران را تحت تاثیر قرار داد. در برنامه امروز همراه هستیم با اصغر کریمی و نگاهی می‌اندازیم به بعضی اتفاقات مهم.

**انتخاب رئیسی**

**سیما بهاری:** در ابتدا اشاره می‌کنم به انتخابات که رئیسی از صندوق انتخابات بیرون کشیده شد به عنوان رئیس جمهور. رئیسی کاملاً در جناح خامنه‌ای قرار دارد. این انتخابات یا این بیرون کشیدن رئیسی از صندوق انتخابات چه جایگاهی در موقعیت جمهوری اسلامی دارد؟ آیا رئیسی که عضو کمیته مرگ در دهه ۶۰ بود را آوردند که جامعه را بترسانند و ایجاد وحشت بکنند؟

**اصغر کریمی:** به نظر من رئیسی مظهر تمام‌نمای ضعف و زبونی و استیصال و ناتوانی‌های رژیم است، به این معنا من فکر نمی‌کنم که با آمدن رئیسی حکومت یکدست شد و یا میتواند

جامعه را مرعوب کند. قالبیاف هم رئیس مجلس شد و الان با بیت رهبری هم همگی در جناح خامنه‌ای قرار دارند. ظاهر مساله اینطور بنظر میرسد که دیگر اختلافاتشان تمام شده و این به نفع رژیم تمام شده است. اما اصلا اینطور نیست. خود به اصطلاح انتخابات یکی از بی‌رونق‌ترین انتخابات‌های حکومت بود، شعار رای من سرنگونی سر داده شد، هر جا تریبون گذاشتند مردم خیلی صریح و روشن علیه حکومت حرف زدند یا شعار دادند. درست روزی که رئیسی کارش را شروع کرد، کارگران هفت تپه تصمیم به اعتصاب گرفتند چون رئیسی مدتی رئیس قوه قضاییه بود و شعار میداد که مشکلات کارگران باید حل شود. ولی کارگران چون هیچ توهمی نداشتند، همان روز

دست به اعتصاب زدند و گفتند این دولت هم  
ضد کارگر و ضد مردم است. حکومت یکدست  
شد و دیگر نمی توانند مشکلات را گردن این  
و آن بیندازند. در سالهای گذشته هر نوع  
مشکل و بدبختی و بیکاری و گرانی را گردن  
دولت که کمی با جناح خامنه‌ای فاصله داشت  
می انداختند. با آمدن رئیسی این بازی تمام  
شد و همه بهانه ها از دستشان گرفته شد.

الان نزدیک به یکسال است رئیسی سر کار  
است و همه مشکلات و بدبختی‌های مردم  
چندین برابر شده. گرانی‌ها بیشتر، فقر بیشتر،  
بیکاری و سایر معضلات اجتماعی بیشتر شده.  
همه معضلات اجتماعی، معضلات سیاسی  
و معضلات اقتصادی عمیقتر شده. در سطح

بین‌المللی رئیس‌جمهوری آوردند که مردم او را آیت‌الله قاتل خطاب می‌کردند و این موقعیت جمهوری اسلامی را طبعاً از این هم که هست ضعیف‌تر می‌کند و با توجه به همه اینها و علیرغم اینکه یک کابینه امنیتی را سرکار آوردند و یک جانی دیگر به اسم قالیباف هم رئیس‌مجلسشان شد ولی در عمل، مردم مرعوب نشدند و اعتراضاتشان را گسترش دادند. اعتصابات و تجمعات اعتراضی کارگران و معلمان و کشاورزان و بخش‌های مختلف مردم نه تنها کمتر نشد بلکه گسترش بیشتری یافت و تندتر و سازمان‌یافته‌تر شد. یک مترسکی به اسم رئیسی، در راس حکومت قرار گرفته که حتی خودی‌ها به سخنرانی‌هایش می‌خندند. مردم هم بیشتر متوجه شدند که حکومت

توان سرکوب به شیوه سابق را ندارد. در نتیجه سرعت آن خواص مثبت! رئیسی عملا ضایع شد. امروز حکومتی تماما یکدست ولی ضعیف تر و ناتوان تر در مقابل مردم قرار دارد. ما همان موقع گفتیم که شکاف در حکومت بیشتر میشود و همینطور هم شد الان شکاف در میان خود اصولگراها دارد تشدید میشود.

## محاكمه جمهوری اسلامی

**سیما بهاری:** یک اتفاق قابل توجه دادگاهها و محاکماتی بود که علیه مقامات جمهوری اسلامی برگزار شد. محاکمه حمید نوری و محکومیت یکی از تروریستهای جمهوری اسلامی در بلژیک به اسم اسدالله اسدی،

همینطور دادگاه آبان که در ماههای گذشته برگزار شد و دادگاه عالی انتاریو. اهمیت این دادگاه ها و محکومیت ها را چگونه ارزیابی میکنید؟

**اصغر کریمی:** یکی از اتفاقات جالب سال ۱۴۰۰ دادگاه هایی بود که علیه جمهوری اسلامی تشکیل شد. دادگاههایی که هر کدام نقش ویژه ای داشتند. اسداله اسدی کاردار سفارت رژیم در اطریش بود که در بلژیک محاکمه و در اواخر سال ۱۳۹۹ به بیست سال زندان محکوم شد. اهمیت این دادگاه این بود که یک مقام سفارت که با سوء استفاده از مصونیت دیپلماتیک دست به اقدام تروریستی علیه اپوزیسیون میزند، دستگیر میشود و محکومیت



سنگینی میگیرد و دنیا بیشتر متوجه میشود که اپوزیسیون حق دارد میگوید سفارتخانه های جمهوری اسلامی مراکز ترورند. در مورد حمید نوری این اولین بار است که یک عامل جمهوری اسلامی که در دهه شصت در داخل کشور و نه کشوری دیگر مرتکب جنایت شده، در سوئد دستگیر و محاکمه میشود. اولین تاثیر این محاکمه ترس و وحشت سایر مقامات حکومت است که پرونده سنگینی از جنایت دارند و به راحتی جرات سفر به کشورهای دیگر را ندارند. نکته دوم شهادت خانواده های قربانی در دهها جلسه این دادگاه است که به صحنه دادگاهی کردن و محاکمه کل حکومت تبدیل شده است. مورد دیگر دادگاه عالی انتاریو بود که جمهوری اسلامی را بخاطر

شلیک عامدانه به هواپیمای مسافربری اوکراین محکوم کرد. جنایتی تاریخی که دنیا شاهد آن بود و تاثیر زیادی در بی‌آبرویی بیشتر رژیم در سطح بین‌المللی داشت. دادگاه آبان نیز که در ماه‌های اخیر در دو نوبت برگزار شد تمرکزش روی جنایت جمهوری اسلامی در آبان ۹۸ بود و از این نظر جالب بود که خانواده‌های زیادی از داخل ایران با اسم و رسم و بعضا بصورت ویدیویی در این دادگاه علیه جنایات حکومت شهادت دادند. اهمیت دیگر این دادگاه این بود که برخی مقامات نظامی از جمله یک فرمانده بالای سپاه پاسداران در این دادگاه حضور یافتند و علیه حکومت افشاگری کردند و به عوامل حکومت از جمله وزارت اطلاعاتی‌ها فهماندند که هر آن ممکن است پرونده همه آنها

توسط همکارانشان لو برود و این بی‌اعتمادی و ترس و وحشت زیادی در میان جنایتکاران حکومت می‌اندازد. لازم است اشاره کنم که قبل از این دادگاهها، نیروهای اپوزیسیون و مشخصاً حزب کمونیست کارگری اقدامات مهمی در زمینه محدود کردن و فراری دادن مقامات حکومت انجام داده بودند از جمله فراری دادن آیت‌الله شاهرودی از آلمان و قاضی منصوری و یا بهم زدن جلساتی که جنایتکاران حکومت در آنها حضور داشتند. اینها اهمیت سیاسی زیادی در محدود کردن حضور جمهوری اسلامی در خارج داشت. کل این مجموعه رژیم را در انظار جهانیان رسواتر و منفورتر کرد، جنبش دادخواهی را تقویت و کار دول غربی برای مماشات با حکومت را

سخت تر نمود. این دادگاهها مقدمه دادگاهی کردن سران حکومت در ایران است. عملی بودن چنین دادگاهی برای مردم ملموس تر شد.

## جنبش دادخواهی

**سیما بهاری:** همینجا جا دارد در مورد پیشروی جنبش دادخواهی نظر شما را جویا شوم و مادران دادخواهی که مقابل دوربین و در آستانه انتخابات گفتند رای ما سرنگونی است، حکومت ایران را در چه موقعیتی قرار میدهد؟

**اصغر کریمی:** قبل از هرچیز باید درود فرستاد بر مادران و کل خانواده‌های دادخواه. در سال

گذشته جنبش دادخواهی با قدرت بیشتر و با نیروی اجتماعی بیشتری به میدان آمد. دادخواهان دهه شصت با دادخواهان آبان ۹۸ و دادخواهان پرواز اوکراین همدیگر را پیدا کردند، دستشان را در دست هم گذاشتند و خیلی سیاسی‌تر نقش ایفا کردند. نه تنها خواهان محاکمه جنایتکارانی شدند که عزیزان آنها را گرفتند بلکه علنا خواهان سرنگونی حکومت شدند، در جریان انتخابات حکومت پرچم رای من سرنگونی است را بلند کردند، در دادگاه آبان با جسارت حضور یافتند، در دادگاه نوری که همچنان ادامه دارد فعالانه شهادت می‌دهند، به مناسبت‌های مختلف پیام می‌دهند، کنار هم قرار می‌گیرند مثل سالروز اعدام نوید افکاری یا به مناسبت همین

نوروزی که در پیش داریم و یاد عزیزشان را گرامی میدارند. دادخواهان هواپیمای اوکراین بسیار رزمنده وارد صحنه سیاست شدند و در مقابل مراکز حکومتی در تهران خواهان محاکمه بالاترین مقامات حکومت شدند. اینها بخش‌های مختلف جنبش دادخواهی است که به یکی از سرنگونی طلب‌ترین، سیاسی‌ترین و عادلانه‌ترین بخش‌های جنبش سرنگونی تبدیل شده است.

## طالبان و تهاجم به اوکراین

**سیما بهاری:** دو اتفاق مهم در خارج از مرزهای ایران به وقوع پیوست که به جمهوری اسلامی و موقعیت آن ربط دارد. یکی آمدن طالبان

به صحنهٔ سیاسی افغانستان و دیگری تهاجم روسیه به اوکراین. نگاه شما به این وقایع چگونه است؟

**اصغر کریمی:** اینجا فرصت نیست در مورد زمینه‌های این دو اتفاق صحبت کنیم و من فقط از زاویه‌ای که به جمهوری اسلامی مربوط میشود به نکاتی اشاره میکنم. قبل از هر چیز بگویم که هر دو اتفاق بسیار ناگوار هستند. دو جنایت اتفاق افتاد. در افغانستان اساساً دول غربی و مشخصاً دولت آمریکا مسئول آن هستند و در اوکراین دولت روسیه. در افغانستان دو دستی این کشور را تحویل و حوش اسلامی دادند. افغانستان ده گام دیگر به عقب برگشت ولی زنان افغانستان که اولین قربانی



این نظام هستند اولین نیروی هم هستند که با جسارت به میدان آمدند و تحت حکومت طالبان خواهان آزادی و حق کار و تحصیل شدند. در سطح بین‌المللی نیز همبستگی میان فعالین زنان افغانستان و ایران شکل گرفت و این نیرو بیشتر دارد خودش را میشناساند، که از نظر سیاسی مهم است. این حکومت را دولت آمریکا سر کار آورد و سعی میکند آنرا در چهارچوب نفوذ خودش قرار بدهد و از این نظر دخالت جمهوری اسلامی را در این کشور کوتاه کند و از نظر سیاسی به زیان جمهوری اسلامی تمام میشود. در مورد اوکراین با یک جنایت جنگی از طرف دولت روسیه طرف هستیم که زمینه‌هایش توسط ناتو و دول غربی فراهم شد. دولت روسیه در این جنگ بازنده



است. از نظر سیاسی در سطح جهان منزوی و منفور شد و از نظر نظامی حتی اگر تمام اوکراین را اشغال کند و حکومت دست نشانده خود را هم سر کار بیاورد، پایدار نیست و این جامعه علیه روسیه بلند میشود همین الان هم بلند شده. تحریم‌ها و کل این اتفاق دولت روسیه را ضعیف‌تر میکند و جمهوری اسلامی که به قول علی مطهری مثل مستعمره روسیه ظاهر شد در این مساله زیان میبیند و در سطح بین‌المللی منزوی‌تر میشود. همین الان دعواهای درونی حکومت در این مورد تشدید شده است.

## اعتراضات خوزستان و اصفهان

**سیما بهاری:** قبل از پرداختن به اعتراضات

کارگران و معلمان میخواهم از دو اعتراض مهم و گسترده دیگر نام ببرم و آن اعتراض مردم خوزستان و مردم اصفهان علیه مشکل آب است. در مورد میزان اجتماعی بودن آن و تأثیر آن بر فضای سیاسی جامعه به طور کلی چه میگویید؟

**اصغر کریمی:** اینها دو اعتراض قابل توجه و بزرگ و توده‌ای در سال ۱۴۰۰ بودند. در خوزستان اعتراض به مشکل آب شروع شد و به سرعت به اعتراضی سرنگونی طلبانه منجر شد. به شهرهای دیگر خوزستان کشیده شد و سراسر خوزستان را در بر گرفت. جمهوری اسلامی ابتدا سعی کرد با وعده‌های توخالی مردم را آرام کند اما دامنه اعتراض وسیع‌تر شد

و جمهوری اسلامی با خشونت و بیرحمی مردم را سرکوب کرد و با جنایت و کشتار اعتراض را عقب راند. جالب این بود که در استان‌هایی مانند تهران، آذربایجان، لرستان و اصفهان دست به تظاهرات در همبستگی با مردم خوزستان زدند. این یک خیزش سرنگونی طلبانه بود و نشان میداد که جامعه چگونه به مرحله انفجار رسیده است. در اصفهان اعتراض به شکل جالبی بروز کرد. اعتراض توسط کشاورزان شروع شد و بسرعت مردم اصفهان در ابعاد وسیعی به آن پیوستند. بستر زاینده‌رود به محل تجمع هر روزه مردم تبدیل شد. تجمع مردم به بیش از صد هزار نفر رسید و بستر زاینده‌رود با میدان التحریر مصر مقایسه شد. مردم جمع میشدند، غذا و چای و نوشیدنی

برای تحصن کنندگان میاوردند و تجمعات به محل بحث و سخنرانی و همبستگی بیشتر تبدیل شد. در یک مورد که پشت بلندگو از خامنه‌ای اسم برده شد جمعیت یکپارچه هو کرد و در واقع مردم اعلام کردند که اجازه نمیدهند تجمع آنها به دفاع از حکومت و رهبر منفورش تبدیل شود. هر دو اعتراض از نظر سیاسی مهم بود. در اصفهان بویژه نوع جدیدی از اعتراض بود و تجمع هر روزه مردم ظرفی بود برای یک اعتراض عمومی. اینرا هم اشاره کنم که این اتفاق در دوره رئیسی بود و نشان میداد که دولت آیت‌الله قاتل توان مقابله با شکل‌گیری تجمعات توده‌ای را ندارد.

**اعتصابات و اعتراضات کارگران و معلمان**

**سیما بهاری:** اعتصابات و اعتراضات کارگران،  
معلمان و بازنشستگان در سال جاری بی وقفه  
ادامه یافت. این اعتراضات چه پیشروی‌هایی  
را پشت سر گذاشت و چه تاثیری در فضای  
جامعه ایجاد کرد؟

**اصغر کریمی:** در جامعه‌ای که همه بشدت  
ناراضی هستند انواع و اقسام اعتراض شکل  
میگیرد. در خوزستان و اصفهان بخاطر مشکل  
آب، پرستاران به شکلی دیگر، زنان علیه حجاب  
و بیحقوقی، جوانان علیه محرومیت و کارگران  
و معلمان هم به اشکالی دیگر اعتراض میکنند.  
میتوان گفت متشکل‌ترین اعتراض مربوط به  
کارگران اعم از کارگران مراکز تولیدی، معلمان

و بازنشستگان است. کارگران هفت‌تپه در ادامه پنج سال مبارزه بی‌وقفه حکومت را وادار کردند از اسدبیگی خلع ید کند و او را محاکمه کند، در شورای اسلامی را گل گرفتند و برخی از خواسته‌های خود را به حکومت تحمیل کردند. کارگران پروژه‌های نفت به مدت طولانی و در بیش از صد مرکز کارگری دست به اعتصاب زدند و یک محصول مهم این اعتصابات سربلند کردن شورای سازماندهی اعتراضات آنها بود که در نقش رهبر و سخنگوی این اعتصاب ظاهر شد. در هفشجان کارگران پروژه ای مجمع عمومی تشکیل دادند و نمایندگان خود را انتخاب کردند و این نشان میداد که گسترش و تداوم اعتصاب چگونه کارگران را متشکل‌تر میکند. بازنشستگان به تجمعات

خود در سراسر کشور ادامه دادند از جمله در آخرین تجمعشان ۳۱ یا ۳۹ تشکل بازنشستگان فراخوان تجمع دادند و در چندین شهر تجمع آنها شکل گرفت و هر هفته بویژه در خورستان و اصفهان بازنشستگان فولاد تجمع میکنند. و بالاخره باید به اعتصابات و تجمعات بزرگ معلمان اشاره کرد که معلمان را در خط مقدم مبارزه مردم قرار داده است. این ادامه ۱۵ سال مبارزه آنها است اما از مهر امسال مبارزه معلمان وارد مرحله تازه ای شد. بطوریکه در عرض چند هفته تحصن و اعتصاب معلمان به بیش از سیصد شهر و روستا و تجمعات آنها به بیش از صد شهر رسید. تجمعاتی بزرگ با حضور فعال زنان معلم، سخنرانی‌های پرشور، بیانیه‌های رادیکال شورای هماهنگی تشکل



های صنفی فرهنگیان و چهره‌های زیادی که جلو صحنه آمدند که اینهم یک دستاورد مهم آنها بود، توجه جامعه را به خود جلب کردند، دانش آموزان و خانواده‌های آنها را به تجمعات خود فراخواندند و در برخی شهرها شروع به تشکیل مجمع عمومی و انتخاب نمایندگان خود کردند. این مجموعه معلمان را متحدتر و متشکل‌تر کرد و در صف اول جنبش آزادیخواهانه مردم قرار داد. معلمان فضای سیاسی و مبارزاتی جامعه را عوض کردند.

## سرنوشت برجام

**سیما بهاری:** برجام پس از مذاکرات طولانی بار دیگر بنظر میرسد به بن‌بست رسیده است.



ارزیابی‌تان از این مساله چیست؟

**اصغر کریمی:** بنظر من یک وقفه در روند مذاکرات ایجاد شده است. بخاطر تهاجم دولت روسیه به اوکراین و خواست روسیه که منافعش در ایران زیر سوال نرود و این موجب وقفه‌ای در مذاکرات برجام شده است. ولی کلا هم غرب خواهان به سرانجام رسیدن برجام است و هم جمهوری اسلامی شدیداً محتاج آن است. جمهوری اسلامی هرچند از نظر سیاسی در کمپ روسیه و چین قرار دارد اما وابستگی‌اش به کشورهای غربی تعیین کننده است. تکنولوژی و صنایع ایران نمیتواند از طریق روسیه یا چین به جایی برسد و جمهوری اسلامی علیرغم هارت و پورتنی که میکند و

شعارهای ضد آمریکایی‌اش، ولی چاره‌ای جز یک نرمش قهرمانانه جدی‌تر در مقابل دولت‌های آمریکا و اروپا ندارد. اما برجام به جایی برسد یا نرسد، سهم مردم فقر و فلاکت و گرانی بیشتر است همین‌طور که توافقات چند سال قبل هم به فقر و بدبختی بیشتر مردم منجر شد. چون ریشه معضلات مردم خود جمهوری اسلامی و مافیای اقتصادی و نظام است. برجام به نتیجه برسد یا بی نتیجه بماند در هر دو حالت بحران حکومت را عمیق‌تر میکند و مبارزه مردم تشدید میشود در این شکی نباید داشت.

## جنبش سرنگونی

**سیما بهاری:** حال نگاهی بیندازیم به جنبش

سرنگونی. چه گام‌هایی برداشت، چه تحولی را در سال جاری تجربه کرد و چه فاکتورهایی در این زمینه برجسته است؟

**اصغر کریمی:** جنبش سرنگونی قوی‌تر، وسیع‌تر و منسجم‌تر شد. رادیکال‌تر و روشن‌تر و در یک کلام متعین‌تر شد. از خیزش مردم خوزستان تا اعتراضات مردم اصفهان علیه بی‌آبی و همبستگی که در سطح کشور با آنها شکل گرفت، جنبش دادخواهی تا اعتصابات کارگران و تجمعات معلمان و بازنشستگان و روحیه اعتراضی و شجاعانه زنان علیه حجاب و عمامه و بیحقوقی‌ها و نفرت عمومی از اسلام و مقدسات حکومتی، اینها مجموعه بهم پیوسته‌ای از جنبش سرنگونی است. اصفهان

نمونه‌ای بود از اینکه چطور مردم شبکه‌هایشان گسترش یافت و متشکل شدند و همبستگی نشان دادند، یا کارگران هفت تپه و شورای سازماندهی کارگران نفت، بازنشستگان که تشکل‌های مختلفشان متحدانه تر عمل کردند، معلمانی که صدها چهره به جامعه تحویل دادند. چهره‌هایی که در تجمعات معلمان سخنرانی میکنند و شعر میخوانند یا بیانیه قرائت میکنند. نقش بارز معلمان زن یکی از جلوه‌های باشکوه مبارزه آزادیخواهانه مردم ایران است و نشان میدهد که فردا که انقلاب شروع میشود مردم چقدر سخنرانان و آژیتاتورهای روشن و آماده و عدالت‌طلب دارند. و هر روز که میگذرد معلمان رهبران رادیکال‌تری را به صحنه میاورند. کسانی که توهماتی داشتند

حاشیه‌ای‌تر میشوند و یا آنها هم رادیکال‌تر و تندتر میشوند. همه اینها اجزاء جنبش سرنگونی است که همبسته‌تر از سالهای قبل، متحدتر، آگاهتر و متشکل‌تر است.

مردم ناتوانی حکومت و انزوای بین‌المللی‌اش را میبینند، فقر و فلاکت و گرانی که هر روز تشدید میشود را میبینند و حکومتی را میبینند در اوج ناتوانی و این مجموعه جامعه را در آستانه یک انقلاب عظیم اجتماعی قرار داده است. شخصا بسیار خوشبینم که جامعه اینبار بسوی یک خیزش توده‌ای و سی میلیونی مردم گرسنه میرود اما اینبار با مبارزات و بخش‌هایی که متعین و متشکل هستند و رهبرانی که میدانند چه میگویند. ما با یک شورش کور

روبرو نخواهیم بود.

پیام به مردم ایران

**سیما بهاری:** و بالاخره در آستانه سال ۱۴۰۱  
قرار داریم. پیامتان به مردم ایران چیست؟

**اصغر کریمی:** علیرغم فقر و محرومیت و  
سفره‌های خالی مردم مخصوصاً در روزهای  
عید، مردم تلاش میکنند شاد باشند و از هر  
فرصتی برای شادی بچه‌هایشان استفاده  
می‌کنند. این آن روحیه زنده و پویای جامعه  
ایران است. همبستگی وسیعی در میان مردم،  
خواست واحد سرنگونی، نفرت از حکومت و  
ایدئولوژی و خرافاتش و این فضای اعتراضی که

توضیح دادم اینها جامعه را در موقعیت جدیدی در مقابل رژیم قرار داده است و این روحیه‌ای رزمنده و امیدوار در جامعه ایجاد کرده و من اینجا میخواهم تاکید کنم که علیرغم همه اعتراضات و تشکله‌ها و پیشروی‌ها مردم به یک تشکل سیاسی، یک حزب سیاسی که آرمانها و خواست هایشان را نمایندگی کنند نیاز دارند.

فراخوانم به مردم در سال جدید این است که هرچه بیشتر و گسترده‌تر به حزب خودشان، حزب کمونیست کارگری بپیوندند که آرزوه‌های مردم را نمایندگی میکند و تضمینی برای پیروزی مردم در مقابل جمهوری اسلامی و شکل دادن به جامعه‌ای انسانی، برابر و آزاد و

رفاه همگانی است. پیشاپیش سال جدید را به  
همه مردم آزاده صمیمانه تبریک می‌گوییم.

۱۷ ژانویه ۲۰۲۲



**وب سایت:**

**www.wpiran.org**

**تماس با حزب:**

پیامگیر تلگرام: **wpi\_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

**۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵**

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام